

متن کامل نخستین بیانیه حقوق بشر تاریخ جهان

(منشور آزادی کوروش بزرگ)

Cyrus Charter of Human Rights Cylinder



کاری از وبلاگ [مهر میهن](#)

پیشکش به همه ایرانیان آزاده و آزادی خواهان جهان

فهرست:

۳.....	پیشگفتار.....
۴.....	نگاهی به زندگی کوروش بزرگ
۶.....	اهمیت تاریخی و فرهنگی استوانه کوروش بزرگ.....
۸.....	بخش مشهور بیانیه حقوق بشر کورش بزرگ
۹.....	متن کامل نخستین بیانیه حقوق بشر تاریخ جهان
	Cyrus Charter of Human Rights Cylinder.....13

پیشگفتار :

استوانه ای که از کوروش بزرگ پس از از فتح بابل بر جا مانده از درخشان ترین صفحات تاریخ بشری است .

این استوانه بیانگر روحیه انسان دوستانه و مدارا گرانه ایرانیان در بیش از ۲۵۰۰ سال پیش است و به عنوان نخستین بیانیه حقوق بشر تاریخ جهان در سال ۱۹۷۱ میلادی توسط سازمان ملل به همه زبان های مورد پذیرش این سازمان ترجمه شد.

از آنجا که این استوانه از بزرگترین افتخارات تاریخی مردم ایران زمین است شایسته است هر ایرانی از متن کامل آن آگاه باشد اما متأسفانه کمتر ایرانی ای متن کامل این استوانه را مطالعه کرده است و این متن به صورت الکترونیک در اینترنت وجود ندارد. از این رو بر آن شدیم تا به مناسبت ۲۱ مهرماه سالروز اعلام این بیانیه انسان دوستانه متن کامل این استوانه را برای آگاهی همگان به صورت الکترونیک انتشار دهیم .

از آنجا که آگاهی عموم از زندگانی کوروش بزرگ و همچنین اهمیت این استوانه در تاریخ تمدن و فرهنگ جهانی کم است ابتدا شرحی کوتاه از زندگی کوروش بزرگ آورده شده سپس درباره اهمیت این کتیبه سخن گفته شده است . بخش مشهور ، متن کامل و بخش مشهور به زبان انگلیسی نیز در ادامه آمده است .

از همه خوانندگان تقاضا می کنیم پس از مطالعه این کتابچه آن را در اختیار دوستان خود قرار دهند تا آگاهی عمومی درباره این برگ درخشان تاریخ ایران زمین افزایش یابد.

با سپاس فراوان

مهر ماه ۱۳۸۶ خورشیدی

www.mehremihan.persianblog.ir

نگاهی به زندگی کوروش بزرگ:

کوروش بزرگ پسر کمبوجیه اول پادشاه پارس و ماندانا دختر آستیاگ پادشاه ماد است درباره آغاز زندگی او هرودوت افسانه ای را در کتاب خود آورده به این شرح که شبی آستیاگ شاهنشاه ماد در خواب دید که از شکم دخترش ماندانا آنقدر آب خارج شد که ماد و همه آسیا را فراگرفت تعبیرگران درباره این خواب به آستیاگ گفتند که فرزند دخترش ماندانا پادشاهی او را برخواهد انداخت از این رو آستیاگ دخترش را به ازدواج بزرگ زاده پارسی کمبوجیه که مردی صلح جو بود در آورد اما زمانی که ماندانا کوروش را در شکم داشت آستیاگ بار دیگر خواب دید که از شکم دخترش تاکی روید که شاخ و برگ آن تمام آسیا را گرفت و دریافت که کودک نورسیده همان بر هم زنده پادشاهی اوست از این رو به فرمانده لشکرش هارپاگ فرمان داد کودک را بلافاصله پس از تولد از مادر جدا کند و به قتل برساند اما هارپاگ چنین نکرد و طفل را پس از تولد به چوپان املاک آستیاگ سپرد .

کوروش نزد خانواده چوپان بزرگ شد و به زودی هوش و ذکاوت بی نظیر خود را نشان داد راز کشف شد اما آستیاگ دیگر نتوانست به کوروش آسیب برساند و او را نزد پدرش کمبوجیه در پارس فرستاد .

کوروش در سال ۵۵۰ ق.م بر آستیاگ ستمگر شورید . در جنگی که رخ داد بزرگان ماد آستیاگ را رها کردند و به کوروش پیوستند و اینگونه کوروش هگمتانه را گشود آستیاگ اسیر شد اما کوروش تا پایان زندگی با او با احترام رفتار کرد.

با تشکیل حکومت هخامنشی کرزوس پادشاه لیدی که برادر همسر آستیاگ بود برای نبرد با کوروش با حکومت های بابل و مصر و یونانی ها هم پیمان شد. در این زمان یکی از بزرگان لیدی که از پادشاه لیدی ناراضی بود به کوروش پناهنده شد و نقشه های کرزوس را برملا کرد .

جنگ آغاز شد و کرزوس در جنگی که در جلگه ای نزدیک سارد رخ داد شکست خورد سارد محاصره و پس از چندی سقوط کرد کرزوس تصمیم داشت خود را در کاخ بسوزاند اما کوروش او را از میان شعله های آتش نجات داد . در سارد به معتقدات مردم احترام

گذاشته شد و آسیبی به این شهر زیبا وارد نیامد. به دنبال سارد دیگر شهرهای لیدی نیز تسلیم شدند.

کوروش پس از پیروزی بر لیدی به شرق ایران رفت و اقوام مهاجم ماساژت را شکست داد. پس از آن کوروش برای پایان دادن به کار نبونید حاکم ستمگر بابل به آن سو لشکر کشید با نزدیک شدن کوروش به بابل مردم بابل بر نبونید شوریدند و کوروش بدون جنگ و در میان خوشحالی مردم وارد بابل شد.

به معتقدات مذهبی بابلی ها احترام گذاشت و با مردم با مهربانی رفتار کرد و بابل به عنوان سومین پایتخت دولت نوظهور هخامنشی پس از پاسارگاد و هگمتانه شناخته شد.

پس از آن کوروش برای سرکوبی دوباره مهاجمان ماساژت به شرق لشکر کشید اما خوش نام ترین و جوانمردترین پادشاه شرق در سال ۵۳۰ ق.م کشته شد. پیکر پاکش را به پاسارگاد بردند و در آن جا به خاک سپردند.

کوروش بی گمان شخصیتی بی نظیر در تاریخ جهان است در عصری که قتل عام و تخریب شهرها و اهانت به مقدسات دینی ملت های مغلوب از سوی فاتحان کاملاً رایج بود او که بزرگترین کشورگشایی بود که تا آن زمان دیده شده بود هیچ شهری را قتل عام نکرد و هیچگاه به مقدسات دینی ملت ها توهین نکرد.

همه ملت های مغلوب به نوعی او را ستوده اند یونانیان او را چونان انسانی آرمانی می ستوده اند پارسیها او را ((پدر)) می خواندند ، بابلی ها او را آزادکننده انسان ها و فرستاده مردوک می دانستند و سرانجام یهودیان او را چون مسیح خویش می شمردند.

او بزرگ ترین ، جوانمردترین و انسان دوست ترین پادشاهی بود که تا آن زمان در تاریخ جهان پدید آمده بود.



آرامگاه امروزی کوروش بزرگ در پاسارگاد

طرحی از آرامگاه کوروش بزرگ در پاسارگاد در زمان هخامنشی

اهمیت تاریخی و فرهنگی استوانه کوروش بزرگ:

برای پی بردن به اهمیت چنین بیانیه انسان دوستانه ای باید پیش از آن به بازخوانی فتح نامه های پادشاهان هم عصر کوروش پرداخت تا دریافت چرا باید کوروش و ملت ایران را به خاطر داشتن چنین فرهنگ انسان دوستانه و مدارا گری ستود و چرا این بیانیه این اندازه در جهان امروز مشهور شده و به عنوان اولین بیانیه حقوق بشر تاریخ جهان در سازمان ملل متحد مورد تحسین قرار گرفته است.

کتیبه نبوکد نصر پادشاه بابل :

((... فرمان دادم صد هزار چشم درآورند و صد هزار ساق پا بشکنند هزاران دختر و پسر جوان را آتش زدند و خانه ها را چنان ویران کردم که دیگر بانگ زنده ای از آنجا برنخیزد!))

آشور بانپال پس از تصرف شوش:

((... من شوش شهر بزرگ مقدس ... را بخواست آشور و ایشتار فتح کردم ... من زیگورات شوش را که از آجرهایی با سنگ لاجوردی لعاب شده بود شکستم ... معابد ایلام را با خاک یکسان کردم و خدایان و الهه هایش را به باد یغما دادم سپاهیان من وارد بیشه های مقدسش شدند که هیچ بیگانه ای از کنارش نگذشته بود ، آن را دیدند و به آتش کشیدند من در فاصله یک ماه و بیست و پنج روز راه سرزمین شوش را تبدیل به یک ویرانه و صحرای لم یزرع کردم .

ندای انسانی و ... فریاد های شادی ... بدست من از آنجا رخت بر بست خاک آنجا را به توپره کشیدم و به ماران و عقرب ها اجازه دادم آنجا را اشغال کنند))^۲

فتح نامه آشور نصیر پال (۸۸۴ ق . م) :

((به فرمان آشور و ایشتار خدایان بزرگ و حامیان من ... ششصد نفر از لشکر دشمن را بدون ملاحظه سربریدم و سه هزار نفر از اسیران آنان را زنده زنده در آتش سوزاندم ...

^۱ مرادی غیاث آبادی رضا ؛ منشور کوروش هخامنشی؛ ص ۸

^۲ همان ؛ همان صفحه

حاکم شهر را به دست خودم زنده زنده پوست کردم و پوستش را به دیوار شهر آویختم ... بسیاری را در آتش کباب کردم و دست و گوش و بینی زیادی را بریدم هزاران چشم از کاسه و هزاران زبان از دهان بیرون کشیدم و سرهای بریده را از درختان شهر آویختم ...)^۱

آشور ناصر پال:

((من ستونی در برابر دروازه شهر اور بنا کردم و پوست همه رهبرانی را که علیه ما به پا خواسته بودند کردم و سطح ستون را با پوست ها پوشاندم برخی را درون دیوار ستون گذاردم برخی را بر تیرهای چوبی بر فراز ستون به چهار میخ کشیدم و دیگران را پیرامون ستون به تیر های چوبی بستم ... و اعضا بدن افسران و صاحب منصبان شاهی را که سر به شورش برداشته بودند قطع کردم ... از میان این اسرا بسیاری را در آتش سوزاندم بسیاری را زنده نگهداشتم از میان آن ها بینی و گوش ها و انگشتان گروهی را قطع کردم و چشم های بسیار دیگری را از حدقه بیرون آوردم من ستونی از زنده ها و ستونی دیگر از سرهای بریده برپا داشتم و سرهای آنان را در سراسر شهر به تنه درختان بستم و مردها و زن های جوان را در آتش سوزاندم من بیست تن از اسرا را زنده در دیوار کاخ او دفن کردم ... باقی مانده جنگجویان آنان را در صحرای فرات با تشنگی هلاک ساختم))^۲



تصویری منتسب به کوروش بزرگ

^۱ همان ؛ ص ۷ و ۸

^۲ عطایی محمد تقی و وحدتی علی اکبر ؛ اعتبار باستان شناختی آریا و پارس ؛ ص ۸۳

بخش مشهور بیانیه حقوق بشر کورش بزرگ:

منم کوروش، شاه جهان، شاه بزرگ، شاه دادگر، شاه بابل، شاه سومر و اکد، شاه چهار گوشه جهان پسر کمبوجیه، شاه بزرگ، ...، نوه کوروش، شاه بزرگ، ...، نبیره چیش پیش، شاه بزرگ...

آنگاه که بدون جنگ و پیکار وارد بابل شدم، همه مردم گام های مرا با شادمانی پذیرفتند. در بارگاه پادشاهان بابل بر تخت شهریاری نشستم. مردوک خدای بزرگ دل های مردم بابل را بسوی من گردانید، ...، زیرا من او را ارجمند و گرامی داشتم. ارتش بزرگ من به آرامی وارد بابل شد. نگذاشتم رنج و آزاری به مردم این شهر و این سرزمین وارد آید.

نابسامانی درونی بابل و نیایشگاههای آنجا دل مرا بدرد آورد... من برای آرامش کوشیدم. من برده داری را برانداختم. به بدبختی های آنان پایان بخشیدم. فرمان دادم که همه مردم در پرستش خدای خود آزاد باشند. فرمان دادم که هیچکس مردم شهر را نیازارد و به دارایی آنان دست یازی نکند. مردوک خدای بزرگ از کار من خشنود شد... او مهربانی اش و فراوانی را ارزانی داشت. ما همگی شادمانه و در آشتی و آرامش پایگاه بلندش را ستودیم. من همه شهرهایی را که ویران شده بود از نو ساختم. فرمان دادم تمام نیایشگاههایی را که بسته شده بود، بگشایند. همه خدایان این نیایشگاهها را به جاهای خود بازگرداندم. همه مردمانی را که پراکنده و آواره شده بودند، به جایگاههای خود برگرداندم و خانه های ویران آنان را آباد کردم.

همچنین پیکره خدایان سومر و اکد را که نبودید، بدون هراس از خدای بزرگ، به بابل آورده بود، به خشنودی مردوک خدای بزرگ و به شادی و خرمی به نیایشگاههای خودشان بازگرداندم. باشد که دل ها شاد گردد. بشود که خدایانی که آنان را به جایگاههای نخستینشان بازگرداندم، هر روز در پیشگاه خدای بزرگ برایم زندگانی بلند خواستار باشند. من برای همه مردم معبودگاهی آرام مهیا ساختم و آرامش را به تمامی مردم پیشکش کردم.

متن کامل نخستین بیانیه حقوق بشر تاریخ جهان

(منشور آزادی کوروش بزرگ)

در سال ۱۲۸۵ خورشیدی (۱۸۷۹م) به دنبال کاوش های گروه انگلیسی در شهر باستانی بابل استوانه ای از گل پخته به دست باستان شناسی کلدانی به نام هرمز رسام پیدا شد این استوانه را نوشته هایی به خط و زبان بابلی نو فراگرفته بود که پس از ترجمه مشخص شد این استوانه به فرمان کوروش هخامنشی در سال ۵۳۸ ق.م و هنگام تسخیر بابل نوشته شده است .

با ترجمه نوشته های این استوانه موجی از شگفتی در میان گروه های فعال حقوق بشر پدید آمد و این نوشته به عنوان اولین بیانیه حقوق بشر تاریخ بشری شهرتی جهانی یافت.

امروزه این استوانه در موزه باستانی لندن نگهداری می شود.

ترجمه فارسی متن نوشته شده روی استوانه چنین است :

((۱ - ...

۲ - ... همه جهان.

۳ - ... مرد ناشایستی (بنام نبونید) به فرمانروایی کشورش رسیده بود.

۴ - ... او آیین های کهن را از میان برد و چیزهای ساختگی به جای آن گذاشت.

۵ - معبدی به تقلید از نیایش گاه ازگیلا برای شهر اور و دیگر شهرها ساخت .

۶ - او کار ناشایست قربانی کردن را رواج داد که پیش از آن نبود ... هر روز کارهایی ناپسند می کرد ، خشونت و بد کرداری

۷ - او کارهای ... روزمره را دشوار ساخت او با مقررات نامناسب در زندگی مردم دخالت می کرد اندوه و غم را در شهرها می پراکند. او از پرستش مردوک خدای بزرگ روی برگرداند.

۸ - او مردم را به سختی معاش دچار کرد هر روز به شیوه ای ساکنان شهر را آزار می داد او با کارهای خشن خود مردم را نابود می کرد ... همه مردم را

۹ - از ناله و دادخواهی مردم ، انلیل خدای بزرگ (= مردوک) ناراحت شد ... دیگر ایزدان آن سرزمین را ترک کرده بودند (منظور آبادانی و فراوانی و آرامش) .

- ۱۰- مردم از خدای بزرگ می خواستند تا به وضع همه باشندگان روی زمین که زندگی و کاشانه شان رو به ویرانی می رفت توجه کند مردوک خدای بزرگ اراده کرد تا ایزدان به بابل بازگردند .
- ۱۱- ساکنان سرزمین سومر و اکد مانند مردگان شده بودند مردوک به سوی آن ها متوجه شد و بر آنان رحمت آورد
- ۱۲- مردوک به دنبال فرمانروایی دادگر در سراسر کشورها به جستجو پرداخت به جستجوی شاهی خوب که او را یاری دهد آنگاه او نام کوروش پادشاه انشان را برخواند از او به نام پادشاه جهان یاد کرد.
- ۱۳- او تمام سرزمین گوتی و همه مردمان ماد را به فرمانبرداری کوروش در آورد کوروش با هر سیاه سر (منظور همه انسان ها) دادگرانه رفتار می کرد
- ۱۴- کوروش با راستی و عدالت کشور را اداره می کرد مردوک خدای بزرگ با شادی از کردار نیک و اندیشه نیک این پشتیبان مردم خرسند بود .
- ۱۵- بنابر این او کوروش را برانگیخت تا راه بابل را در پیش گیرد در حالیکه خودش همچون یآوری راستین دوشادوش او گام برمی داشت.
- ۱۶- لشکر پرشمار او که همچون آب رودخانه ها شمارش ناپذیر بودند آراسته به انواع جنگ افزارها در کنار او ره می سپردند.
- ۱۷- مردوک مقدر کرد تا کوروش بدون جنگ و خونریزی به شهر بابل وارد شود او بابل را از هر بلایی ایمن داشت او نبونید شاه را به کورش سپرد .
- ۱۸- مردم بابل ، سراسر سومر و اکد و همه فرمانروایان محلی فرمان کوروش را پذیرفتند از پادشاهی او شادمان شدند و باچهره های درخشان او را بوسیدند .
- ۱۹- مردم سروری او را شادباش گفتند که به یاری او از چنگال مرگ و غم رهایی یافتند و به زندگی بازگشتند همه ایزدان او را ستودند و نامش را گرامی داشتند.
- ۲۰- منم کوروش، شاه جهان، شاه بزرگ، شاه دادگر، شاه بابل، شاه سومر و اکد، شاه چهار گوشه جهان
- ۲۱- پسر کمبوجیه، شاه بزرگ، شاه انشان ، نوه کوروش، شاه بزرگ، شاه انشان، نبیره چیش پیش، شاه بزرگ شاه انشان
- ۲۲- از دودمانی که همیشه شاه بودند و فرمانروایی اش را بل (خدا) و نبو گرامی می دارند و باخرسندی قلبی پادشاهی او را خواهانند. آنگاه که بدون جنگ و پیکار وارد بابل شدم.

۲۳- همه مردم گام های مرا با شادمانی پذیرفتند. در بارگاه پادشاهان بابل بر تخت شهریاری نشستیم. مردوک خدای بزرگ دل های پاک مردم بابل را بسوی من گردانید، ... زیرا من او را ارجمند و گرامی داشتم.

۲۴- ارتش بزرگ من به آرامی وارد بابل شد. نگذاشتم رنج و آزاری به مردم این شهر و این سرزمین وارد آید.

۲۵- وضع داخل بابل و جایگاه های مقدسش قلب مرا تکان داد ... من برای صلح کوشیدم نبونید مردم درمانده بابل را به بردگی کشیده بود کاری که در خور شان آنان نبود.

۲۶- من برده داری را برانداختم. به بدبختی های آنان پایان بخشیدم. فرمان دادم که همه مردم در پرستش خدای خود آزاد باشند. فرمان دادم که هیچکس مردم شهر را نیازارد و به دارایی آنان دست یازی نکند. مردوک از کردار نیک من خشنود شد.

۲۷- او بر من کوروش، که ستایشگر او هستم و بر کمبوجیه پسر من و همچنین بر همه سپاهیان من

۲۸- برکت و مهربانی اش را ارزانی داشت ما همگی شادمانه و در صلح و آشتی مقام بلندش را ستودیم به فرمان مردوک همه شاهان بر اورنگ پادشاهی نشسته اند.

۲۹- همه پادشاهان سرزمین های جهان از دریای بالا تا دریای پایین (دریای مدیترانه تا خلیج پارس) همه پادشاهان آموری، همه چادرنشینان

۳۰- مرا خراج گذاردند و در بابل بر من بوسه زدند از ... آشور تا شوش

۳۱- من شهرهای آگاده، اشنوا، زمبان، متورنو، دیر، سرزمین گوتیان و همچنین شهرهای آن سوی دجله که ویران شده بود از نو ساختم.

۳۲- فرمان دادم تمام نیایشگاههایی را که بسته شده بود، بگشایند. همه خدایان این نیایشگاهها را به جاهای خود بازگرداندم. همه مردمانی را که پراکنده و آواره شده بودند، به جایگاههای خود برگرداندم و خانه های ویران آنان را آباد کردم.

۳۳- همچنین پیکره خدایان سومر واکد را که نبونید بدون واهمه از خدای بزرگ به بابل آورده بود به خشنودی مردوک به شادی و خرمی

۳۴- به نیایشگاه های خودشان بازگرداندم. باشد که دل ها شاد گردد بشود خدایانی که آنان را به جایگاه های مقدس نخستینشان بازگرداندم

۳۵- هر روز در پیشگاه خدای بزرگ برایم خواستار زندگانی بلند باشند بشود که سخنان پربرکت و نیک خواهانه برایم بیابند بشود که آنان به خدای من مردوک بگویند

- ((کوروش شاه)) پادشاهی است که تو را گرامی می دارد و پسرش کمبوجیه
- ۳۶- بی گمان در روزهای سازندگی ، همگی مردم بابل پادشاه را گرامی می داشتند و من برای همه مردم جامعه ای آرام مهیا ساختم و صلح و آرامش را به تمامی مردم اعطا کردم.
- ۳۷- ...
- ۳۸- ... باروی بزرگ شهر بابل را استوار گردانیدم ...
- ۳۹- ... دیوار آجری خندق شهر را
- ۴۰- که هیچیک از شاهان پیشین با بردگان به بیگاری گرفته شده به پایان نرسانیده بودند
- ۴۱- ... به انجام رسانیدم
- ۴۲- دروازه هایی بزرگ برای آن ها گذاشتم با درهائی از چوب سدر و روکشی از مفرغ
- ۴۳- ...
- ۴۴- ...
- ۴۵- ... برای همیشه ((



تمبر یادبود اعلامیه حقوق بشر کوروش بزرگ

Cyrus Charter of Human Rights Cylinder

First Charter of Human Rights

- The charter of Cyrus the Great, a baked-clay Aryan language (Old Persian) cuneiform cylinder, was discovered in 1878 in excavation of the site of Babylon. In it, Cyrus the Great described his human treatment of the inhabitants of Babylonia after its conquest by the Iranians.

The document has been hailed as the first charter of human rights, and in 1971 the United Nations was published translation of it in all the official U.N. languages. "May Ahura Mazda protect this land, this nation, from rancor, from foes, from falsehood, and from drought". Selected from the book "The Eternal Land".

Cyrus The Great

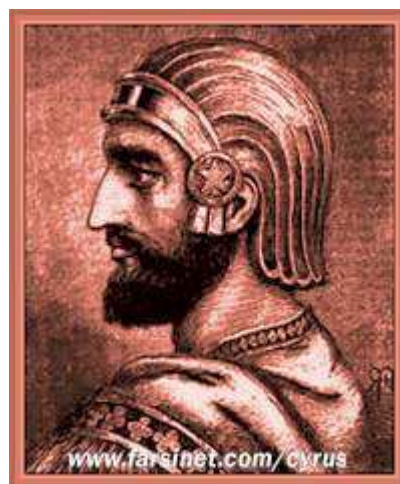
Cyrus (580-529 BC) was the first Achaemenid Emperor. He founded Persia by uniting the two original Iranian Tribes- the Medes and the Persians. Although he was known to be a great conqueror, who at one point controlled one of the greatest Empires ever seen, he is best remembered for his unprecedented tolerance and magnanimous attitude towards those he defeated.

Upon his victory over the Medes, he founded a government for his new kingdom, incorporating both Median and Persian nobles as civilian officials. The conquest of Asia Minor completed, he led his armies to the eastern frontiers. Hyrcania and Parthia were already part of the Median Kingdom. Further east, he conquered Drangiana, Arachosia, Margiana and Bactria. After crossing the Oxus, he reached the Jaxartes, where he built fortified towns with the object of defending the farthest frontier of his kingdom against nomadic tribes of Central Asia.

The victories to the east led him again to the west and sounded the hour for attack on Babylon and Egypt. When he conquered Babylon, he did so to cheers from the Jewish Community, who welcomed him as a liberator- he allowed the Jews to return to the promised Land. He showed great forbearance and respect towards the religious beliefs and cultural traditions of other races. These qualities earned him the respect and homage of all the people over whom he ruled

After victory over Babylonia, Cyrus The Great presented himself not as a conqueror, but a liberator and the legitimate successor to the crown. He took the title of "King of Babylon and King of the Land". Cyrus had no thought of forcing conquered people into a single mould, and had the wisdom to leave unchanged the institution of each kingdom he attached to the Persian Crown. In 537 BC he allowed more than 40,000 Jews to leave Babylon and return to Palestine.

He also declared the first Charter of Human Rights known to mankind, which is written on a clay cylinder:



"I am Cyrus, king of the world, great king, mighty king, king of Babylon, king of the land of Sumer and Akkad, king of the four quarters, son of Cambyses, great king, king of Anshan, grandson of Cyrus, great king, king of Anshan, descendant of Teispes, great king, king of Anshan, progeny of an unending royal line, whose rule Bel and Nabu cherish, whose kingship they desire for their hearts' pleasures

When I, well-disposed, entered Babylon, I established the seat of government in the royal palace amidst jubilation and rejoicing. Marduk, the great God, caused the big-hearted inhabitants of Babylon to...me. I sought daily to worship him. My numerous troops moved about undisturbed in the midst of Babylon.

I did not allow any to terrorize the land of Sumer and Akkad. I kept in view the needs of Babylon and all its sanctuaries to promote their well-being. The citizens of Babylon... I lifted their unbecoming yoke. Their dilapidated dwellings I restored. I put an end to their misfortunes.

At my deeds Marduk, the great Lord, rejoiced, and to me, Cyrus, the king who worshipped, and to Cambyses, my son, the offspring of my loins, and to all my troops, he graciously gave his blessing, and in good spirit is before him we/glorified/exceedingly his high divinity.

All the kings who sat in the throne rooms, throughout the four quarters, from the Upper to the Lower Sea, those who dwelt in ... all the kings of the West Country who dwelt in tents, brought me their heavy tribute and kissed my feet in Babylon. From ... to the cities of Ashur and Susa, Agade, Eshnuna, the cities of Zamban, Meurnu, Der, as far as the region of the land of Gutium, the holy cities beyond the Tigris whose sanctuaries had been in ruins over a long period, the Gods whose abode is in the midst of them. I returned to the places and housed them in lasting abodes. I gathered together all their inhabitants and restored to them their dwellings. The Gods of Sumer and Akkad whom Nabonidus had, to the anger of the Lord of the Gods, brought into Babylon, I at the bidding of Marduk, the great Lord made to dwell in peace in their habitations, delightful abodes.

May all the gods whom I have placed within their sanctuaries address a daily prayer in my favour before Bel and Nabu, that my days may long, and may they say to Marduk my Lord, May Cyrus the King who reveres thee, and Cambyses his son ..."

Language:	Akkadian
Medium:	clay cylinder
Size:	23 cm long 11 cm wide
Length:	40+ lines of writing (although broken)
Genre:	
Date:	538 BCE
Cyrus's reign:	557–529 BCE
Place of Discovery:	Nineveh, Iraq
Date of Discovery:	1879

Discoverer:	Hormuzd Rassam
Current Location:	British Museum
Inventory number:	BM WAA 90920 (BM = British Museum; WAA = Western Asiatic Antiquities)

منابع :

- ۱- بیانی، شیرین؛ تاریخ ایران باستان (۲)؛ تهران : انتشارات سمت ، ۱۳۸۴
- ۲- عطایی، محمدتقی و وحدتی، علی اکبر؛ اعتبار باستان شناختی آریا و پارس؛ تهران: نشر و پژوهش شیراز، ۱۳۸۲
- ۳- گیرشمن، رمان؛ ایران از آغاز تا اسلام؛ ترجمه محمد معین؛ تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۵
- ۴- مرادی غیاث آبادی، رضا؛ منشور کوروش هخامنشی؛ تهران: انتشارات پژوهنده تهران، ۱۳۷۹
بخش انگلیسی برگرفته از سایت www.farsinet.com



دیگر کتابچه های در دست آماده سازی
در وبلاگ مهر میهن:

- ۱- تاریخ زبان های ایرانی
- ۲- اساطیر ایران
- ۳- سیری در تاریخ ادبیات پارسی